

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ نومبر ۲۰۲۰

مناسبات "گلبدین" و "طالب"!

۱

یکشنبه- ۱۱ عقرب ۱۳۹۹ - کابل: نگارش مناسبات بین "گلبدین" و "طالب" که هریک مقاطع خاصی آماج کین و نفرت بحق مردم افغانستان قرار داشته و دارند، هرچند نیازمند تحقیق کاملاً و یژه و حنا در سطح یک رساله و کتاب کامل می تواند باشد، با تأسف یا کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا هم اگر اشاراتی در مورد صورت گرفته، سخت سطحی و گذرا بوده است.

دلیل این که یادداشت امروز و چه بسا یکی دو روز بعدم را نیز به بحث در همین مورد، اختصاص داده ام صحبت امروز سخنگوی طالب در مورد "گلبدین" و نقش برانزده!! وی به ارتباط صلح و مذاکرات آن، و تأسف وی از بابت عدم شرکتش در این پروسه و وعده این که طالب با وی مستقیماً و مستقلاً تماس خواهد گرفت، می باشد. اما قبل از بحث در مورد سخنان امروز سخنگوی طالب لازم است تذکار یابد:

۱- وجوه مشابه "طالب" و "گلبدین":

* - هر دو نهاد یعنی هم باند "گلبدین" مسما به "حزب اسلامی" و هم "طالب" در خارج از افغانستان و بنا بر صوابدید و نیازمندیهای استخباراتی کشور پاکستان و به منظور مداخله مستقیم در امور افغانستان به وجود آمده اند. از همین رو آنها نه تنها به منظور خدمت به افغانستان و مردم آن به وجود نیامده اند و هیچ گونه علاقه مندی و هدفی جهت خدمت به خلق افغانستان نداشته و ندارند، بلکه در جهت تأمین منافع خالقشان یعنی پاکستان و برآورده ساختن اهداف آنها از اعمال هیچ جنایاتی در حق خلق افغانستان دریغ نورزیده اند.

* - هر دو نهاد ضمن آن که خود را در عقب رادیکالترین و افراطی ترین برداشت از اسلام پنهان نموده اند، تا مغز استخوان خود شوونیست، قومگرا و انحصار طلب بوده حنا از کشتار مسلمانان غیر تباری خود نیز اباء نورزیده اند.
* - از لحاظ عملی هر دو نهاد جلا د پیشه و خونریز بوده، تمام جنایات و آدمکشی های شان را در هاله تقدس برداشت شان از اسلام و قرآن مخفی می دارند.

* - مناسبات درونی آنها هرچند ظاهراً ملبس به اصطلاحات اسلامی و رابطه بین "امیر" و اتباع و بیعت کنندگان معرفی می گردد مگر در واقعیت امر حنا در همان سطح نیز نبوده، با تکیه بر حمایت استخبارات نظامی پاکستان از

فرد اول "گلبدين، ملا عمر، حفيظ منصور و ملا هبت الله"، مطلقاً مافیائی سازماندهی شده، اعضاء، اتباع و بيعت کنندگان کمترین حق و یا صلاحیتی در مقابل اراده "امیر" ندارند. آنها در این مناسبات تا جائی بر اصول مافیائی قدرت تکیه نموده اند، که حتا در مخالفت با شخص پیامبر اسلام که در امور به امر و دستور قرآن به مشوره می پرداخت، هر نوع مشوره دهی را تخلف و خروج و در مقابل "امیر" دانسته، بر آن حکم بغاوت را صادر و باغی را واجب القتل و مباح الدم می دانند.

*- در مناسبات خود با سایر احزاب و نهاد ها، از آن جائی که خود را "حق مطلق" و دیگران را "باطل مطلق" می پندارند، نه تنها برای شان اصل حقوق دموکراتیک و تساوی برخاسته از آن مطرح نیست، بلکه بر مبنای همان برداشت و قرائت خودشان از احکام اسلام و خود را حق مطلق دانستن، به هیچ نیروئی غیر از خودشان حتا حق حیات نیز قایل نیستند، از همین رو است که هر دو نهاد در تمام دوران حیات ننگین شان، بی پروا به قتل افراد و نهاد های غیر از خودشان دست یازیده اند.

*- از آنجائی که سیاست هایشان در قبال مردم افغانستان و رقبای قدرت شان، از آنها مشتکی جلاذ ساخته آنها را در تقابل با مجموع خلق افغانستان قرار داده، جهت بقای شان ناگزیر به بیگانگان پناه برده، قلاده بردگی بیگانگان دور و نزدیک را برگردن خویش دارند. در قسمت بعدی این مختصر خواهیم دید که چه چیزی آنها را علی رغم تمام تشابهات و نزدیکی ها در مقابل یک دیگر قرار داده است.

ادامه دارد